

The Role of Cognitive Discourse of Persuasion in Economic Discourse: Cognitive Semantic-Semiotic Approach

Kaveh Hedayat*

Ferdows Aghagolzadeh Silakhor, Jinuss Shirvan*****

Abstract

Cognition is a dynamic process that leads to language strategies. These strategies are constantly producing, reproducing, moving, transforming, deleting, replacing, or generating other cognitive species. Accordingly cognition cannot be considered merely an element for the transmission of information; rather, it should be seen as a process that acts by influencing information, distorting or completing it, or changing the direction of its transition cycle. In the system of cognitive discourse, persuasion and argumentative coercion lead to superiority and victory of someone over another, for thinking and reasoning can change a belief and replace it with another (Shairi, 1398). The main purpose of this article is to examine the change of action-oriented discourse to tension-oriented discourse in Iran economy with a semiotic-semantic approach by the framework of critical discourse analysis. In order to become more familiar with persuasive action discourse system in recent economic crisis of Iran, a text produced by Mahmoud Bahmani, Governor of the Central Bank of the 10th government on February 26, 2012 was analysed. The result showed that the observance or non-adherence of economic actors to the

* Phd student at Islamic Azad university, central Tehran branch, Iran, kaveh.hedayat56@gmail.com

** The member of academic board of Tarbiat modares university, Tehran, Iran (Corresponding Author), aghagolzadehf@gmail.com

*** Head of French department and associate professor at Islamic Azad university, central Tehran branch, Iran, jinuss.shirvan@gmail.com

Date received: 2022/12/11, Date of acceptance: 2023/02/27



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

persuasive discourse system to express the truth in economic texts can be considered as an effective factor in the living conditions of people.

Keywords: cognitive discourse, persuasion, cognitive semantic-semiotic approach, economic discourse



نقش گفتمان‌شناختی برای مجاب‌سازی^۱ در متون اقتصادی: رویکرد نشانه - معناشناختی

کاوه هدایت*

فردوس آقا گل‌زاده**، ژینوس شیروان***

چکیده

از منظر گفتمان، شناخت جریان‌های فعال است که موجب بروز راهکارها یا شگردهای زبانی می‌گردد. این شگردها دائماً در حال تولید، تکثیر، جایجایی، دگرگونی، حذف، جایگزینی یا زایش گونه‌های شناختی دیگر هستند. بر این اساس، نمی‌توان شناخت را فقط عنصری برای انتقال اطلاعات دانست؛ بلکه باید آن را به جریان‌های دانست که با تأثیرگذاری بر اطلاعات، منحرف یا کامل نمودن آن یا تغییر جهت دادن در چرخه انتقالی آن، عمل می‌نماید. در نظام گفتمان‌شناختی (Cognitive discourse)، تنها جریان مجابی و زورآزمایی استدلالی است که سبب برتری و پیروزی یکی بر دیگری می‌گردد؛ چون تفکر، اندیشه و منطق استدلالی می‌تواند باوری را تغییر داده و باور دیگری را جایگزین آن کند (شعیری، ۱۳۹۸). هدف اصلی مقاله حاضر آنست که با رویکرد نشانه - معناشناختی (Cognitive semantic semiotic approach) در چارچوب تحلیل گفتمان انتقادی، تغییر نظام گفتمانی‌کنش محور به نظام گفتمانی‌تنش محور در اقتصاد ایران را بررسی نماید. در این مقاله برای آشنایی هر چه بیشتر با ارتباط نظام گفتمانی کنشی

* دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، تهران، ایران،

kaveh.hedayat56@gmail.com

** دکتری تخصصی، استاد گروه زبان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران (نویسنده مسئول)،

aghagolzadehf@gmail.com

*** دکتری تخصصی، استادیار گروه زبان فرانسه، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، تهران، ایران،

jinuss.shirvan@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۹/۲۰، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۸



القایی (مجابی) برای بیان واقعیت موجود، بحران اقتصادی اخیر ایران را با تمرکز بر یک متن تولیدشده توسط محمود بهمنی، رئیس کل بانک مرکزی دولت دهم در پنجم بهمن ماه ۱۳۹۰ مورد بررسی قرار دادیم. نتایج حاکی از آن بود که رعایت و یا عدم پایبندی کنشگران اقتصادی به نظام گفتمان‌کنشی القایی (مجابی) برای بیان واقعیت در متون اقتصادی (economic texts) را می‌توان به عنوان عامل تاثیرگذاری در وضع معیشت مردم قلمداد نمود.

کلیدواژه‌ها: گفتمان شناختی، مجاب سازی (Persuasion)، رویکرد نشانه-معناشناختی، متن اقتصادی.

۱. مقدمه

زبان، همواره ابزاری است در دست انسان برای معامله. بسیاری از کنش‌ها با اتکای به زبان و قدرت متقاعدسازی آن در دنیا تحقق می‌یابند. زبان، آنگونه که گرمس (Greimas) هم تأکید داشت؛ فقط ظاهری از واقعیت را با خود دارد؛ یعنی گاهی آنقدر واقعیت به دروغ و دروغ به واقعیت نزدیک می‌شود که دیگر تفکیک آنها از یکدیگر میسر نیست (شعیری، ۱۳۹۸: ۱۱). هدف غایی کنشگران، تصاحب ابژه‌ها یا حتی دنیا‌هایی است که دارای ارزشی هستند که بیشتر ویژگی مادی دارد بنابراین کنش‌گر به هر چیزی به عنوان یک شیء یا ابژه نگاه می‌کند که قابلیت فتح دارد و تمرکز بر تصاحب و به دست آوردن خواهد بود. جامعه برای تکاپو و ادامه بقا نیاز به مدیریت اقتصادی دارد و در علم اقتصاد از زبان بسیار استفاده شده است. زبان به عنوان عامل اندیشیدن و وسیله انتقال اندیشه، نقش به‌سزایی در شکل‌گیری و شکوفایی اقتصاد یک جامعه دارد؛ "گفته پرداز با تاثیر بر گفته یاب به گونه‌ای عمل می‌کند که او را معتقد و طرفدار [مجاب] گفته خود سازد" (کورتز، ۱۹۹۱: ۲۵۰). با ورود شناخت به علم زبان‌شناسی، زبان به عنوان بخشی از قابلیت‌های شناختی انسان در نظر گرفته می‌شود که در آن علاوه بر ساختار زبان، به رابطه زبان و ذهن نیز می‌پردازد؛ در این نوع شناخت که نشانه-معناشناسی نوین بر آن تأکید دارد، دیگر نمی‌توان از رابطه‌ای خطی سخن گفت که در یک سر آن تولیدکننده و در سر دیگر آن دریافت‌کننده قرار دارد (شعیری، ۱۳۹۸: ۵۱). هدف از این تحقیق توضیح درباره نقش گفتمان شناختی برای القا در متون اقتصادی با رویکرد نشانه-معناشناختی است. بسیاری از مشکلات اقتصادی حال حاضر را میتوان به کمک رویکرد نشانه-معناشناختی با تحلیل معنا در متون اقتصادی تفسیر و تعبیر نمود. مساله اصلی این پژوهش توصیف و آسیب‌شناسی مشکلات اقتصادی حال حاضر در جامعه است که می‌تواند ناشی از

رعایت و یا عدم پابندی کنشگران اقتصادی به نظام گفتمان کنشی القایی (مجابی) برای بیان واقعیت در متون اقتصادی باشد که در آن، نظام گفتمان کنشی را به یک نظام گفتمان تنشی تغییر می دهند، در ارزیابی کنش، با دو نوع ارزیابی شناختی و عملی، می توان گفتمان را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. در رویکرد نشانه-معناشناختی، مطالعه فرایندی زبان با یک واسط شناختی مورد بررسی قرار می گیرد که با نشانه شروع می شود ولی معنا را هدف قرار می دهد و بیشتر براساس رابطه بین دو پلان زبانی، یعنی صورت بیان و صورت محتوا استوار است. در تحلیل متون اقتصادی هم به همین شکل است، فرایند زبان در جای جای متن اقتصادی با نشانه شروع می شود و معنا را مورد هدف قرار می دهد و چون تفسیر به واسطه معنا شکل می گیرد، دو پلان صورت بیان و صورت محتوا به واسطه شناخت، در معنا ذوب می شوند. اهمیت و ضرورت موضوع تحقیق حاضر در اینست که نشان دهد چگونه با رویکرد نشانه-معناشناختی میتوان با تحلیل متون اقتصادی، پرده از بحران اقتصادی حال حاضر در جامعه برداشت و اینکه چطور کنشگران با گفتمان شناختی با گونه القایی مبتنی بر تشویق، مردم را ترغیب به خرید ارز و طلا می نمایند و با اینکار اقتصاد جامعه را با بحران مواجه کرده که در نهایت وضع معیشت مردم را تحت تاثیر قرار می دهند. برای رفع بحران در نظام کنشی می توان خط مشی را در متن اقتصادی بکار گرفت که در آن با کنش مجابی (تعاملی)، شناخت مخاطب را در گفتمان به سمت وسوی واقعیت سوق داد. در متون اقتصادی، کنشگران بهتر است اندیشه های خود را با تعامل برای مردم تشریح نمایند تا روی محور هم نشینی در کنار مردم قرار داشته باشند. کنش گر [اقتصادی]، به طور آزادی وارد بازی زبانی می شود که از طریق آن قدرت نقد و ارزیابی و قضاوت خود را نیز به صحنه می کشد؛ کسی که می گوید: "من" و پای این "من" بودن می ایستد، یعنی اینکه قدرت ایجابی خود را از طریق زبان نشان می دهد (کوکه، ۱۹۹۷: ۱۵۲). به نقل از شعیری). روش تحقیق حاضر، توصیفی از نوع تحلیل محتوای کیفی و جمع آوری اطلاعات و داده ها به صورت کتابخانه ای است.

۲. پیشینه تحقیق

از پژوهش هایی که با رویکرد نشانه-معناشناسی صورت گرفته اند میتوان به موارد زیر اشاره کرد: حسن زاده، میرعلی و کنعانی (۱۳۹۰) با بررسی الگوی نشانه-معناشناسی گفتمانی در شعر قیصر امین پور این حقیقت را آشکار می کنند که او با رویکرد ناب و تازه به پدیده ها و در ارتباطی حسی-ادراکی با آنها، جریان زیبا ساز معنا را رقم می زند؛ جریانی پویا و سیال که با

پشت سر گذاشتن مفاهیم فرسوده و غبار گرفته به نشانه‌ای متعالی تبدیل می‌شود. شعیری، اسماعیلی و کنعانی (۱۳۹۲) طی پژوهشی، نحوه شکل‌گیری فرآیند حسی-ادراکی و زیبایی‌شناختی گفتمان ادبی شعر ((باران))، سروده گلچین گیلانی را بررسی می‌کنند و نشان می‌دهند که چگونه باران به عنوان نشانه واسطه‌ای از طریق رابطه حسی-ادراکی و زیبایی‌شناختی، سبب شکل‌گیری فرآیندی می‌شود که ((من)) شخص شاعر را در گسست با خود قرار می‌دهد. نتیجه این جدایی، عبور از مرزهای ((من)) شخصی و پیوند با ((من)) استعلایی و دست‌یابی به ((راز جاودانگی)) و ((هستی آرمانی)) است. آبی‌نیا و شعیری (۱۳۹۵) طی مقاله‌ای به مطالعه تشخیص به عنوان فرآیندی در درون گفتمان می‌پردازند. دادن مولفه انسانی به غیرانسان، توصیف سستی تشخیص است. با هدف گذر از این محدودیت، ضمن تحلیل داستانی کوتاه از چوبک با عنوان ((پاچه خیزک)) در چارچوب روش نشانه-معناشناسی گفتمانی، تمامی عوامل اثرگذار در ایجاد فرآیند تشخیص را مورد بررسی قرار می‌دهند. نتایج نشان می‌دهند این فرآیند، دو سویه دارد: چنانچه روند مسیر فرآیند به سوی استعلاء و افزایش ابعاد انسانی باشد، به سمت تشخیص پیشینه‌ای می‌رویم و اگر روال، مسیری در جهت افت و کاهش ابعاد انسانی باشد، به سمت تشخیص کمینه‌ای هدایت می‌شویم. رضایی، مشهدی، شعیری و نیک‌بخت (۱۳۹۵) با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی ضمن تبیین کارکرد یادگفتمان‌ها در برقراری ارتباط و نقش آن در فرآیند تولید و تداوم معنا، مصادیقی از نامه‌های نیما یوشیج را تحت بررسی قراردادده‌اند تا با رویکرد نشانه-معناشناختی نشان دهند که نیما در نامه‌هایش چگونه از طریق پادسازی، عناصر معنا ساز را به کار می‌گیرد تا بر جنبه‌های ایجابی گفتمان خود تاکید کند، گفتمان‌ش را توجیه کند، استحکام معنایی آن را بالا برد و از این راه باور مخاطب را افزایش دهد و او را متقاعد سازد. نتایج این پژوهش مبین آن است که نیما به کمک هاله‌سازی‌های گفتمانی همواره در پی برجسته‌سازی زبان خود و تحکیم و تداوم معنا در گفته‌های خویش است. جلالی طحان زواره و خلیل‌اللهی (۱۳۹۵) طی پژوهشی به بررسی داستان کوتاه ((لالایی لیلی)) اثر حسن بنی‌عامری براساس نشانه-معناشناسی نظام گفتمانی می‌پردازند. مساله اساسی در این تحقیق، پرداختن به نظام‌های گفتمانی شوشی در ابعاد حسی-ادراکی، عاطفی و زیبایی‌شناسی است. نتیجه این بررسی نشان می‌دهد که چگونه "حواس ششگانه" به داستان، بعد پدیدارشناسی می‌دهد و با ایجاد تکانه‌ای در شخصیت اصلی داستان به پیش‌تندگی و حاضرسازی غایب می‌رسد و چگونه فرآیند عاطفی و بعد زیبایی‌شناسی آن شکل می‌گیرد. شهباز، غفوریان و نیکخواه ابیانه (۱۳۹۶) با رویکرد نشانه-معناشناسی به تحلیل

گفتمان جهت تحلیل فیلم ((یه حبه قند)) دو دسته عمده فضاهای گفتمانی؛ یعنی عناصر فضای فیزیکی و احساسی را به صورت همزمان و در ارتباط با هم بررسی کرده اند و از این رهگذر به استخراج معانی موجود در هر نما و در مجموعه نماها می پردازند و نهایتاً جمع بندی پژوهش، شامل تحلیل کلی فیلم بیان خواهد شد. میرحسینی و کنعانی (۱۳۹۷) به دنبال پاسخ به این پرسش هستند که فرآیند عاطفی در گونه کودکانه رضوی زائر عبدالجبار کاکایی، تابع کدام سازوکار نشانه-معناشناختی است. همچنین فرآیند تحقق و طغیان مبتنی بر کدام شرایط گفتمانی رخ می دهد. نتایج و یافته های تحقیق نشان می دهد که نظام عاطفی گفتمان در گونه کودکانه زائر، تابع ساز و کارهای ادراکی-حسی، زیبایی شناختی، استعلایی، تششی و جسمانه ای است و مبتنی بر گونه رخدادی شوشی تحقق می پذیرد. شعیری (۱۳۹۸) در یک تحلیل نشانه-معناشناختی گفتمان اجتماعی مد نشان می دهد، گفتمان مد قادر است تن آرمانی را ایجاد کند؛ چرا که همواره تصویری از دیگری ارایه می کند که همانندی با آن سبب فاصله از تن-عادت می گردد و در درون یک تناقض که دو وجه سلبی و ایجابی دارد حرکت می کند. هدف از این مقاله آن است که بینیم چگونه مد به شیوه ای فرآیندی و در چارچوب عقل محوری از مرز ساختار و عادت عبور نموده و به گفتمان آشوب و آرمان گرایی درون نظام اجتماعی جهت بازسازی هویت روی می آورد، یعنی یک سوی مد با عقل گرایی و سوی دیگر آن با آرمان طلبی در جامعه مرتبط است. نورسیده و سلمانی حقیقی (۱۳۹۸) با استفاده از روش تحلیلی-توصیفی به بررسی مولفه های نشانه-معناشناسی در داستان حضرت موسی (ع) و فرعون پرداخته اند. در این پژوهش هژمونی و اندیشه برتر و فرادست مطلوب حضرت؛ یعنی ابلاغ و ترویج حقانیت و یگانگی خداوند مورد تحلیل قرار می گیرد. در این جستار، انواع نظام های گفتمانی از قبیل نظام کنشی، نظام شوشی، نظام عاطفی، نظام تششی و شگردهای پردازش مفهوم، انتقال پیام و ارتباط با مخاطب در داستان ارزیابی و نشان داده می شود چگونه حضرت با استفاده از نظام گفتمان به تبیین حقانیت و احدیت خداوند و نجات قومش می پردازد و گفتمان توحید را هژمونیک می نماید. یاری بیک و شمسایی نیا (۱۴۰۰) با هدف تبیین و نشانه شناسی مستندهای تبلیغاتی نامزدهای انتخاباتی نشان دادند که عمده مطالب و نشانه های به کار برده شده در مستندهای انتخاباتی عموماً حول محور مسائل و مباحث اجتماعی سامان یافته است و نامزدهای انتخاباتی تلاش کرده اند از نشانه های اجتماعی برای تبیین و تحکیم ایده های خود برای اداره کشور استفاده کنند.

۳. مبانی نظری تحقیق

در این بخش از پژوهش، به بیان مطالبی درخصوص مبانی نظری خواهیم پرداخت و می‌کوشیم تمامی اصطلاحات و عبارات نشانه-معناشناختی که برای تجزیه و تحلیل داده‌ها در طول پژوهش به آن نیازمند خواهیم بود را تعریف کنیم.

۱.۳ ارزش پول در نظام کنشی

در نظام‌های کنشی، ارزش، مقدارپذیر و کمی است؛ یعنی ارزش پول در این است که چه میزان مبادله با آن قابل انجام است. به همین دلیل کنش‌گر باید طوری برنامه‌ریزی کند که پول بیشتری داشته باشد تا با آن مبادله بیشتری انجام دهد. پس پول ارزش واسطه‌ای دارد و بر همین مبنا ارزیابی می‌شود و نظام‌های کنشی برنامه‌محور از منطقی کمی پیروی می‌کنند (شعیری، ۱۳۹۸: ۲۲).

۲.۳ کنش تجویزی منطقی (عقلانی) در نظام گفتمانی

زمانی که پادشاه به قهرمان داستان می‌گوید: "اگر بروی و سر اژدها را بیاوری، دخترم را به عقد تو درمی‌آورم" کنش براساس منطقی قابل دفاع شکل می‌گیرد و به این ترتیب، ما با کنش تجویزی منطقی یا عقلانی مواجه هستیم. با توجه به این منطق تجویزی می‌توان ادعا نمود که نوعی قرارداد، میثاق یا عهد، ماهیت این نظام تجویزی را شکل داده است. به دیگر سخن، پادشاه و قهرمان با هم قراری می‌گذارند. حتی اگر این قرارداد به شکل عینی امضاء نیز نشود، باز ماهیت تضمینی خود را دارد؛ چون از ناحیه مقامی ارشد که سخن او، قول او تلقی می‌شود ارائه شده است. به عقیده آستین (۱۹۷۰: ۱۲۷-۸۹) در بعضی موارد، گفتن عین انجام دادن است و "قول دادن" برابر است با خود کنش یا انجام عمل (شعیری، ۱۳۹۸: ۲۶). به همین دلیل حرف پادشاه عین عمل او تلقی می‌گردد و با این کنش گفتمانی، ما در نظام تجویزی قراردادی یا میثاقی قرار می‌گیریم.

۳.۳ تغییر نظام گفتمانی کنش محور به تنش محور

در نظام تنش محور، دیگر کنش نه تابع برنامه و قراردادی از پیش مشخص و نه تابع گفت و گوی تعاملی است جهت القاء و متقاعدسازی. به همین دلیل با نوعی گفتمان مواجه هستیم که در آن تنش، منشاء و سرچشمه کنش به شمار می رود. به دیگر سخن، تنش چاشنی اصلی کنش و حرکت کنش گر است (شعیری، ۱۳۹۸: ۴۸).

۴.۳ بازی شناختی: مجابی و تفسیری

در جریان شناختی باید به دو ابزار مهم تاثیرگذاری شناختی یکی مجابی و دیگری تفسیری اشاره نمود. بارزترین تفاوت گونه مجابی و تفسیری در این است که در اولی عامل اصلی و موثر همان سخن پرداز است؛ در حالی که در دومی، عامل موثر و اصلی؛ سخن یاب است. شتاب کشاورزان به سوی چراگاه در داستان چوپان دروغگو نشانه مجاب شدن آنان است. عمل مجاب نمودن ابزاری شناختی است که بسیاری از گفتمان‌ها از آن سود می جویند. گونه مجابی و تفسیری دو ابزار از بازی شناختی هستند که هر یک به نوبه خود گفته پرداز و گفته یاب را به بازی می گیرند (شعیری، ۱۳۹۸: ۶۴-۶۵).

۵.۳ رابطه شناخت و کنش: بازنگری نظریه فرایند روایی گرمس

باور می تواند مقدم بر شناخت واقع شود و به واسطه همین تقدم، راه را بر کنش باز کند یا ببندد. با تامل در طرحواره فرایند روایی گرمس، متوجه می شویم روند حاکم بر حرکت متن در اکثر داستانها به گونه ای است که همه چیز از یک نقصان آغاز می شود و سپس با عقد قرارداد یا پیمان، وارد مرحله کنش می گردد، یعنی عملیات انجام گرفته توسط خود قهرمان داستان و یا بدعت گذار حرکت و کنش ارزیابی می شود. این طرحواره فرایند روایی را می توان به شکل زیر نشان داد (شعیری، ۱۳۸۵: ۶۶):

عقد قرارداد ← توانش ← کنش ← ارزیابی و قضاوت شناختی و عملی

ارزیابی شناختی: شامل بررسی عملیات و نتایج به دست آمده بر اساس شواهد و مدارک است.

ارزیابی عملی: اجرای حکم و اعمال تنبیه یا پاداش در مورد کنشگر.

جریان یا عملیات القایی به عنوان مبداء عملیات کنشی قرار می‌گیرد و آن را تغذیه می‌کند. به این ترتیب، جریان کنشی استوار بر القا، عملی است که تحت تاثیر دیدگاه بدعت‌گذار قرار دارد. به این معنی که القا، توانش کنشگر را تحت تاثیر قرار داده، آن را تغییر می‌دهد. به گونه‌ای که فردی خنثی با تحریک پذیری از بدعت‌گذار می‌تواند به کنشگر تبدیل شود. زیرا که تحت تاثیر تحریکهای بدعت‌گذار، عکس‌العمل نشان داده و خود را قادر به انجام عملیات کنشی می‌یابد. در گونه القایی مبتنی بر تشویق، بدعت‌گذار با وعده و وعیدهایی که به کنشگر می‌دهد، او را به انجام عمل ترغیب می‌کند. بر همین اساس الگوی القایی موثر در ایجاد عملیات کنشی را می‌توان با طرحواره جدیدی از فرایند کنشی به صورت زیر ارائه نمود:

القا ← عملیات کنشی (توانش و کنش) ← ارزیابی و قضاوت شناختی و عملی

۴. روش تحقیق

روش تحقیق در این مقاله از نظر روش‌شناسی، توصیفی از نوع تحلیل محتوای کیفی است و در چارچوب تحلیل گفتمان انتقادی صورت گرفته است. متن تحلیل شده متعلق به یک دهه قبل است اما تنها یک خبر نیست که جنبه اطلاعی داشته باشد بلکه نقطه عطفی است برای شروع یک رویداد که در آن گفته پرداز با تاثیر بر گفته یاب به گونه‌ای عمل می‌کند که با ابزارشناخت او را مجاب به خرید دلار و طلا می‌نماید و این خود می‌تواند یک بحران اقتصادی را در قالب انتظارات تورمی به همراه داشته باشد. این متن از لحاظ زبان‌شناختی (صرفی، نحوی و معنایی) در چارچوب تحلیل گفتمان انتقادی با رویکرد نشانه‌معناشناختی مورد بررسی قرار گرفته است تا اهمیت ابزار اقناعی در گفتمان کنشگران اقتصادی مجهز به سازوکار قدرت نشان داده شود.

۵. تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این بخش، به تحلیل معنای شناختی متنی از محمود بهمنی، رئیس کل بانک مرکزی در دولت دهم؛ بعنوان یک کنشگر اقتصادی با رویکرد نشانه-معناشناختی در چارچوب تحلیل گفتمان انتقادی خواهیم پرداخت که در آن تلاش برای یافتن ارتباط منطقی میان معنا به کمک ابزار مجابی و تفسیری صورت می‌پذیرد. در این بخش ارزیابی و قضاوت شناختی و عملی گفته یاب و گونه القایی گفته پرداز که توانش کنشگر را در یک بازی شناختی؛ مجاب به انجام کنش

نقش گفتمان شناختی برای مجاب سازی... (کاوه هدایت و دیگران) ۳۱۷

می کند مورد بررسی قرار می گیرد تا بلکه بتوانیم چرایی و چگونگی بحران اقتصادی جامعه را از لحاظ نشانه - معناشناختی گفتمان آسیب شناسی نمائیم.

۱. او با اعلام اینکه تا ۴۸ ساعت آینده، ارز به هر میزان برای مصارف مختلف در اختیار متقاضیان قرار می گیرد. (۵ بهمن ۱۳۹۰ - ساعت ۱۷:۲۸ - کد خبر ۱۹۵۷۰۹ - سایت تحلیلی خبری عصر ایران)

"او" اشاره به آقای بهمنی، رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران دارد. بهمنی با اعلام ۴۸ ساعت آینده در واقع اعلام آمادگی برای فروش ارز می کند و این مهلت ۴۸ ساعته می تواند از لحاظ شناختی، نقطه عطفی باشد در آغاز بحران اقتصادی که منجر به انتظارات تورمی می شود، نمی توان شناخت را فقط عنصری برای انتقال اطلاعات دانست؛ بلکه باید آن را به جریانی دانست که با تاثیرگذاری بر اطلاعات، منحرف یا کامل نمودن آن یا تغییر جهت دادن در چرخه انتقالی آن، عمل می نماید. در این نوع شناخت که نشانه-معناشناسی نوین بر آن تاکید دارد، دیگر نمی توان از رابطه ای خطی سخن گفت که در یک سر آن تولیدکننده و در سر دیگر آن دریافت کننده قرار دارد (شعیری، ۱۳۹۸: ۵۱). در این جمله، کنش بر اساس منطقی قابل دفاع شکل می گیرد و ما با نوعی کنش تجویزی منطقی (عقلانی) مواجه هستیم، زیرا نوعی پیمان یا قرارداد با این منطق تجویزی بین محمود بهمنی، رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، و مردم بسته شده است. در این متن، ابزاری که کنشگر را وادار به عمل می کند گونه القایی مبتنی بر تشویق است و از آنجائیکه توسط شخصی ایراد شده است که دارای بالاترین قدرت در تصمیمات اقتصادی است، دال بر نوعی پیمان بین ایشان و مردم است که با خود کنش یا انجام عمل برابر است، بنابراین حرف محمود بهمنی عین عمل او تلقی می گردد و با این کنش گفتمانی، مردم در نظام تجویزی منطقی قرار می گیرند و این پیمان با اینکه به شکل عینی امضاء نیز نشده است؛ باز ماهیت تضمین خود را دارد. از لحاظ شناختی می توان چنین تعبیر کرد که بهمنی با ادای این قید زمان ذهن مخاطب را متوجه این بازه زمانی برای خرید ارز می نماید، لذا فکر مردم به سمت خرید و فروش و ذخیره کردن ارز جهت کسب سود کشیده می شود که این خود می تواند در ایجاد تورم نقش داشته باشد. در این جمله، رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران با اعلام این موضوع که "ارز به هر میزان" در اختیار متقاضیان قرار می گیرد؛ گونه تفسیری ذیل از بازی شناختی را برای گفته یاب تداعی می نماید که متقاضیان نگران تأمین ارز برای مصارف مختلف نباشند، چون ما ارز آنقدر داریم که به هر میزان متقاضیان بخواهند در اختیارشان قرار خواهیم داد. اما آیا واقعاً منابع ارزی نامحدود است؟ با

یک استنتاج منطقی، به رابطه شناخت و عملیات کنشی برای فراهم‌سازی بستر برای ایجاد بحران در اقتصاد جامعه با استفاده از عبارت "به هر میزان" پی خواهیم برد؛ دو گزاره زیر را در نظر بگیرید:

الف) در هر کشوری، منابع ارزی؛ هرچند خیلی هم زیاد باشد، محدود است.

ب) ما تصمیم گرفته ایم ارز را به هر میزان به متقاضیان عرضه کنیم.

استنتاج منطقی: منابع ارزی تمام خواهد شد.

عقد قرارداد ← توانش ← کنش ← ارزیابی و قضاوت شناختی و

عملی (شعیری، ۱۳۸۵: ۶۶)

عقد قرارداد ← توان تامین ارز به هر میزان برای متقاضیان ← هجوم متقاضیان برای

خرید ارز ← اتمام منابع ارزی

۱.۵ طرحواره فرایند روایی برای ارزیابی عملیات کنشی در گفتمان اقتصادی با

اقتباس از طرحواره شعیری

لذا با توجه به اینکه گزاره "ب" از دهان فردی بیرون آمده است که بالاترین قدرت در گفتمان اقتصادی برای تصمیمات مالی کشور را دارد می‌تواند نوعی کنش تجویزی منطقی در این نظام گفتمانی تلقی شود که در حال بستن نوعی قرارداد و پیمان با کنشگران است؛ با اعلام این جمله که ارز به هر میزان برای مصارف مختلف در اختیار متقاضیان قرار می‌گیرد صحبت از کمیّت می‌شود و به گفته شعیری (۱۳۹۸) ارزش پول در نظام های کنشی، مقدارپذیر و کمی است؛ یعنی ارزش پول که در اینجا همان ارز می‌باشد در این است که چه میزان مبادله با آن قابل انجام است به همین دلیل کنشگر یا گفته یاب باید طوری برنامه ریزی کند که پول (ارز) بیشتری داشته باشد تا با آن مبادله بیشتری انجام دهد.

۲. بهمنی ادامه داد: برای کالاهای مورد نیاز کشور هر میزان ارز لازم باشد، در اختیار

وارد کنندگان و تولیدکنندگان قرار می‌گیرد (همان).

در این جمله از متن رئیس کل بانک مرکزی تفسیر معنا در تحلیل جهانی های گفتمان، "فروش ارز به منظور واردات است" که با گشایش اعتبارات اسنادی وارداتی، ارز زیادی از مملکت خارج خواهد شد و تبعات آن کاهش منابع ارزی، ورود کالاهای خارجی به کشور،

عدم حرکت در چرخ اقتصاد داخلی، تورم و به دنبال آن انتظارات تورمی با افزایش نرخ ارز خواهد بود. بهمنی باز هم در این جمله از باهم آبی "ارز" به همراه "هر میزان" استفاده می‌کند بنابراین خیال مصرف‌کنندگان، وارد کنندگان و تولیدکنندگان را از بابت منابع ارزی راحت می‌کند و به آن‌ها اعلام می‌دارد، ما در صندوق ذخیره ارزی، ارز زیاد داریم و هر میزان ارز لازم باشد، در اختیاران قرار می‌دهیم، بدین ترتیب عمل تولید زبانی فرآیندی یک طرفه و بسته نیست، بلکه جریانی است که در آن همواره شنونده یا گفته یاب در جهت کامل نمودن قسمت پوشیده یا ناقص زبان فعالیت می‌کند تا معنای زبان کامل شود. این همان چیزی است که اعمال تعامل زبانی نامیده می‌شود (شعیری، ۱۳۹۸: ۲۱-۲۰). تعامل زبانی در این جمله با گونه‌القایی مبتنی بر تشویق همراه است زیرا بدعت گذار با وعده و وعده‌هایی که به کنشگر می‌دهد، او را به انجام عمل ترغیب می‌کند. یعنی بهمنی، واردکنندگان را ترغیب و تشویق به واردات کالا به داخل کشور می‌نماید و به آنها وعده می‌دهد نگران کمبود منابع ارزی نباشند و برای کالاهای مورد نیاز کشور هر میزان ارز لازم باشد در اختیارشان قرار می‌گیرد.

۳. وی درباره سکه نیز گفت: تا رسیدن بازار به تعادل، هر میزان سکه مورد نیاز هموطنان باشد به گونه‌ای که خریداران ضرر نکنند و سکه به قیمت واقعی برسد، با سازوکارهای پیش‌بینی شده به متقاضیان واگذار می‌شود و هنگام رسیدن به تعادل نیز تحویل سکه به‌روز خواهد شد (همان).

در این جمله رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران وارد حیطه بازار سکه می‌شود و قصد دارد مشکل سکه مورد نیاز هموطنان را حل کند [منظور از سکه، سکه طلا است]. نظام کنشی در این جمله، واگذار شدن سکه به متقاضیان با سازوکارهای پیش‌بینی شده است که ارزیابی شناختی گفته یاب را با خود به همراه دارد زیرا این نظام کنشی برنامه محور از منطقی کمی پیروی می‌کند، به همین دلیل مردم باید طوری برنامه ریزی کنند که پول بیشتری برای خرید ارز و سکه طلا داشته باشند تا با آن مبادله بیشتری انجام دهند، یعنی ارزش پول در این است که چه میزان مبادله جهت خرید دلار و سکه با آن نزد بانکها قابل انجام است. اکنون این سوال پیش می‌آید که مگر متقاضیان چه نیازی به سکه دارند که آن هم به هر میزان که بخواهند به آنها فروخته خواهد شد؟ بهمنی می‌گوید تا رسیدن بازار به تعادل؛ پس در جریان شناختی و با ابزار تفسیری؛ گفته یاب بلافاصله چنین برداشت می‌کند که بازار سکه نامتعادل است و بهمنی با فروش سکه می‌خواهد آنرا به تعادل برگرداند. طبق نظر شعیری (۱۳۹۸) یک کنش تجویزی منطقی (عقلانی) در نظام گفتمانی شکل می‌گیرد که با آن نوعی قرارداد، میثاق یا عهد بین

بهمنی و مردم بسته می‌شود که چون از ناحیه مقامی ارشد ادا شده است، قول او تلقی می‌شود و قول دادن در این جمله با خودکنش یا انجام عمل برابر است؛ یعنی قول بهمنی عین کنش محسوب می‌شود و با انجام عمل برابر است پس حتماً هموطنان در خرید سکه ضرر نخواهند کرد و قیمت سکه نیز با این راهکار از جانب ایشان واقعی خواهد شد [که متأسفانه نشد و در سالهای آتی، از فروش همین سکه به هموطنان؛ سلطان سکه بوجود آمد!] البته بهمنی این قول را به خریداران سکه داده است که حتی با رسیدن بازار سکه به تعادل، باز هم خریداران ضرر نخواهند کرد پس جای هیچگونه نگرانی برای زمان تحویل سکه به خریداران وجود نخواهد داشت. بهمنی در این جمله از نامتعادل بودن بازار سکه سخن به میان می‌آورد و اظهار می‌دارد با سیاستی که در پیش گرفته قصد دارد آن را متعادل کند اما این سیاست که از جانب رئیس کل بانک مرکزی اتخاذ شده است چیست و چه برنامه‌ای را در پیش گرفته است؟ او خط مشی خود را اعلام می‌دارد و آن اینست که قصد دارد به هموطنان از طریق بانک‌ها سکه طلا بفروشد و آن هم به گونه‌ای که خریداران سکه ضرر نکنند، یعنی از طرف فردی که دارای قدرت اول در تصمیمات اقتصادی و امور بانکی است؛ این قول به مردم داده می‌شود که از جانب ما ساز و کارهایی پیش بینی شده تا به گونه‌ای به مردم سکه طلا بفروشیم تا سود کنند. باز هم بهمنی "هر میزان" را در متن خود استفاده می‌کند اما این بار برای سکه. قبلاً درباره "هر میزان" صحبت کرده ایم و این بار هم دو برداشت برای آن در سطح تفسیر قائل می‌شویم: ۱- "هر میزان" اشاره به این دارد که خریداران به هر اندازه که سکه طلا بخواند، به آن‌ها واگذار خواهد شد. ۲- ما مشکلی برای تأمین سکه برای بانک‌ها نخواهیم داشت، پس شما نگران کمبود سکه نباشید. به باور نگارنده، گونه‌القایی که در این جمله توسط بهمنی از آن استفاده شده است به منظور دوم نزدیک‌تر است. او می‌گوید تا رسیدن بازار به تعادل این کار را ادامه خواهد داد یعنی آنقدر به مردم سکه خواهیم فروخت تا بازار اشباع شود و به تعادل برسد. البته بهمنی اشاره‌ای به قیمت واقعی سکه نمی‌کند. اما آیا هموطنان ما نیازی به سکه دارند که بهمنی به گونه‌القایی مبتنی بر تشویق در گفتمان خود آن‌ها را مجاب به خرید سکه می‌کند؟ آن هم به گونه‌ای که خریداران ضرر نکنند. همانطور که می‌بینید در این گفتمان سخن از معامله‌ای است که طبق قول رئیس کل بانک مرکزی دو سر سود است و هرکس را تشویق به خرید و فروش سکه طلا می‌کند و این امر خود می‌تواند در ایجاد تورم نقش داشته باشد. در این پژوهش با القا مبتنی بر تشویق، نوعی ردّ یا اثر در شناخت گفته یاب به جا می‌گذارد که منجر به ایجاد نوعی قرارداد یا پیمان کنشی بین گفته پرداز و گفته یاب می‌شود. این ارزیابی شناختی، پایه و

نقش گفتمان شناختی برای مجاب سازی... (کاوه هدایت و دیگران) ۳۲۱

اساس یک واقعیت کنشی است که انتظارات تورمی و بحران اقتصادی را با خود برای جامعه به همراه دارد.

۴. بهمنی درباره ارزش مسافرتی برای مسافران نروزی هم گفت: هیچ مشکلی برای تأمین ارزش مسافران در ایام نروزی نخواهیم داشت و ارزش مسافرتی باید به قیمت پایین تری برسد (همان).

بهمنی به مسافران نروزی این وعده را می دهد که ما برای تأمین ارزش آنها در ایام نروزی هیچ مشکلی نخواهیم داشت؛ "هیچ مشکلی" در این جمله می تواند هم به منبع ارزی دولت اشاره کند و هم تزریق آن به بانک ها. در این جمله چنین بر می آید که قیمت ارزش مسافرتی پائین است اما با استفاده از صفت تفضیلی (برتر) بهمنی می خواهد با فروش ارزش مسافرتی آن را پائین تر بیاورد. این تنها عالم بیرون نیست که قسمتی از آن بر ما مخفی، و به همین دلیل دریافت ما از آن ناقص است. زبان نیز به نوبه خود دارای خلاء است و این گفته یاب است که به واسطه فعالیتی تعاملی این خلاء را پر می کند.

کلمات، فقط بخشهایی از دنیا را بر ما نمایان می سازند که بر اساس هر زبان به گونه ای متفاوت قیچی خورده اند. اما در پس کلمات، بین کلمات، از کلمات تا جمله ها و از جمله ها تا متن، این ما هستیم که خلاء را پر می کنیم، معنا را می سازیم و همواره به دنبال کامل نمودن آن هستیم (دنی برتراند، ۱۹۹۹: ۷).

عبارت تاکیدی "هیچ"، وجه نمایی با سببیت بالاست و میزان تعهد گوینده را به طور صریح و کاملاً مطمئن بیان می نماید. رئیس کل بانک مرکزی به مسافران برای مسافرت به خارج از کشور در ایام نروزی وعده ارزش مسافرتی را می دهد و این بار اعلام می دارد که ما برای تأمین ارزش مسافران در ایام نروزی هیچ مشکلی نخواهیم داشت. منظور بهمنی از "هیچ مشکلی" چیست؟ چرا بهمنی می خواهد ارزش مسافرتی را به قیمت پائین تری برساند؟ بهمنی می خواهد ارزش مسافرتی را به قیمت پائین تری برساند و برای این کار خط مشی دارد و آن اینست که آنقدر ارزش به بازار تزریق کند تا بازار ارزش، آن نرخ ثابت که او در سر دارد را بپذیرد. یعنی وعده ای که او برای ارزش تک نرخ داده (۱۲۲۶ تومان) محقق شود. بدین ترتیب عمل تولید زبانی فرآیندی یک طرفه و بسته نیست، بلکه جریانی است که در آن همواره شنونده یا گفته یاب در جهت کامل نمودن قسمت پوشیده یا ناقص زبان فعالیت می کند تا معنای زبان کامل شود. این همان چیزی است که اعمال تعامل زبانی نامیده می شود (شعیری، ۱۳۹۸: ۲۱-۲۰). در این تعامل زبانی،

رئیس بانک مرکزی مردم را مجاب به خرید ارز مسافری می‌کند و با گونه‌القایی مبتنی بر تشویق، کنشگران را ترغیب به تهیه ارز می‌کند تا در قالب ارز مسافری آن را تهیه کنند. با این فرایند کنشی، مردم ارز را ارزانتر از ارز آزاد تهیه خواهند کرد و این تفاوت نرخ ارز برای آنها سودآور خواهد بود. حالا چه آن را در خارج از کشور خرج نمایند، چه آن را در داخل کشور به قیمت بالاتر بفروشند و چه آن را ذخیره نمایند؛ در هر حال برایشان کسب منفعت خواهد داشت، یعنی اگر کسی قصد مسافرت هم نداشته باشد حالا با این قول و پیمان بهمنی، قصد سفر خواهد کرد تا این ارز مسافری را به هر شکل که امکان دارد بدست بیاورد و از این اختلاف نرخ ارز دولتی و ارز آزاد، سودی کسب نماید.

۵. رئیس کل بانک مرکزی همچنین اعلام کرد: تعیین نرخ سود سپرده‌ها به بانک‌ها واگذار شده است که حداقل آن معادل نرخ تورم است و از امروز در همه بانک‌های دولتی و خصوصی و موسسات مالی و اعتباری قابل اجراست (همان).

با تامل در این جمله متوجه می‌شویم که همه چیز از یک نقصان آغاز می‌شود و سپس با عقد قرارداد یا پیمان، وارد مرحله کنش می‌گردد، یعنی عملیات انجام گرفته؛ توسط خود بدعت گذار حرکت و کنش ارزیابی می‌شود. مطابق طرحواره فرایند روایی (عقد قرارداد ← توانش ← کنش ← ارزیابی و قضاوت شناختی و عملی) (شعیری، ۱۳۸۱: ۹۱) متوجه می‌شویم نقصان، عدم واگذاری نرخ سود سپرده‌ها به بانک‌هاست و برای رفع این نقصان، بهمنی با بستن این پیمان و واگذاری نرخ سود سپرده‌ها به بانکها، وارد مرحله کنشی می‌شود تا از طریق رابطه شناخت و کنش، کنشگر را وارد عمل کند، یعنی با گونه‌القایی مبتنی بر تشویق، مردم را مجاب به افتتاح سپرده نزد بانکها نماید تا سودی را دریافت کنند که حداقل آن با نرخ تورم آغاز می‌شود. با اینکار براساس شواهد و مدارک مبتنی بر این پیمان، ارزیابی شناختی گفته‌یاب بر اساس اجرای حکم و دریافت پاداش، به ارزیابی عملی بدل خواهد گردید، یعنی مردم برای دریافت سودی که حداقل آن با نرخ تورم شروع می‌شود به سمت بانکها کشیده خواهند شد.

با ادای این جمله طبق نظر شعیری (۱۳۹۸) کنش تجویزی منطقی (عقلانی) در نظام گفتمانی بهمنی حادث شده است که حرف او عین عمل او تلقی می‌گردد و گفتن، عین انجام دادن است؛ بنابراین تعیین نرخ سود سپرده‌ها از بانک مرکزی جمهوری اسلامی به بانکها واگذار می‌گردد. "حداقل" به معنی کمترین در مقابل "حداکثر" قرار می‌گیرد به معنی بیشترین. بهمنی از قدرت خود در تصمیم‌گیری بانکها جهت تعیین نرخ سود سپرده‌ها [سوء] استفاده می‌کند و با این جمله خبری که "حداقل آن معادل نرخ تورم است" به بانکها اعلام می‌کند؛ برای

تعیین نرخ سود سپرده های گذاران؛ با نرخ تورم شروع کنند. "از امروز" اشاره به نزدیک ترین زمان ممکن دارد چون هر زمان که این متن توسط رئیس کل بانک مرکزی ایراد گردد و مخاطب آنرا دریافت کند، امروز به حساب خواهد آمد. این تصمیم "قابل اجرا" است، یعنی حتما "انجام پذیر" است؛ بنابراین بانکها موظف به اجرای دستور از جانب ایشان می باشند نه اینکه اگر خواستند، انجام دهند و اگر نخواستند انجام ندهند. بهمنی می گوید: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران از تعیین و کنترل نرخ سود سپرده ها خود را تفویض اختیار کرده و آن را به بانک ها واگذار کرده است و بانک ها نیز مجاز هستند که حداقل نرخ سود سپرده ها را با نرخ تورم (۲۱ درصد) به صاحبان سپرده نزد بانک ها پرداخت کنند، اما صحبتی از حداکثر آن نشده است، بنابراین بار معنایی آن در ارزیابی شناختی پس از القا گفته یاب به لحاظ نشانه-معناشناختی گفتمان حاوی پیامی است که یک رقابت نابرابر و ناسالم را بین بانک ها ایجاد خواهد کرد که بسیار در ایجاد انتظارات تورمی می تواند تأثیرگذار باشد. با ادای این جملات، سه تفسیر را از لحاظ نشانه-معناشناختی گفتمان برای القای گفته یاب که همان مردم هستند میتوان بررسی کرد: ۱- واگذاری نرخ سود سپرده ها از بانک مرکزی ایران به بانکها؛ این سیاست باعث ایجاد رقابت میان بانکها می شود و چون کنترل و نظارتی بر این امر نیست در نهایت باعث ایجاد تورم می شود زیرا بانکها پیشنهاد بالاترین سود را به مشتریان خود می دهند تا سپرده آنها را نزد خود نگاه دارند و یا سپرده های بانک های دیگر را نزد خود بکشانند. [لازم به توضیح است که نرخ سود سپرده ها باید از نرخ سود تسهیلات کمتر باشد تا دریافت کنندگان تسهیلات از بانکها، آنرا در همان بانک یا بانک دیگری جهت دریافت چند درصد سود بیشتر سپرده گذاری نکنند]. ۲- حداقل نرخ سود سپرده ها که بانکها به مردم پیشنهاد می کنند باید معادل نرخ تورم باشد، این یعنی اگر شما به کاری هم مشغول نباشید با سپرده گذاری نزد بانکها می توانید حداقل سود را که معادل نرخ تورم است (۲۱ درصد) دریافت کنید. اینجا شما خواهید دید که گونه القایی مبتنی بر تشویق در نظام گفتمانی کنشی تجویزی تا چه اندازه می تواند در تبدیل ارزیابی شناختی به ارزیابی عملی تأثیرگذار باشد. افرادی که دارای کارخانجات تولیدی می باشند و هرکدام به سختی در حال اداره کارخانه خود هستند کم کم وسوسه می شوند بجای پرداخت مالیات به دولت و سر و کله زدن با کارگر و پرداخت هزینه های آب، برق و گاز با تعرفه صنعتی به فکر فروش اموال غیر منقول مانند زمین کارخانه و منقول مثل ماشین آلات بیافتند تا بجای مستهلک شدن آنها و پرداخت حقوق و بیمه کارگران و کارمندان، مبلغ حاصل از فروش دارائی های خود را در بانکها سرمایه گذاری کنند و بدون هیچ زحمتی،

در پایان هر ماه، سود آن را از بانکی که بیشترین سود را به سپرده آنها می‌دهد دریافت کنند و این خود می‌تواند باعث ایجاد تورم شود. ۳- بهمنی می‌گوید از امروز؛ این سیاست در همه بانک‌های دولتی و خصوصی و موسسات مالی و اعتباری قابل اجرا می‌باشد. در سطح تفسیر می‌توان چنین برداشت کرد که رئیس کل بانک مرکزی برای این امر خیلی عجله دارد. اما این همه تعجیل برای چیست؟ این جمله، ذهن مردم را به فکر و امیدارد تا نزدیک‌ترین و راحت‌ترین راه را برای کسب درآمد در زندگی انتخاب کنند. مخاطب با شناختی که از بانک‌ها، جامعه، سود سپرده، کار کردن، مشقت و ... دارد برای امرار معاش خود سعی می‌کند طبق اصل کم‌کوشی (The least - effort principle) ساده‌ترین راه را انتخاب نماید. همانطور که ملاحظه می‌کنید انتخاب بر سر خوب‌تر و خوب‌ترین نیست، بلکه انتخاب بر سر خوب‌ترین و بدترین است. کارکردن با مشقت زیاد و درآمد پائین در برابر کار نکردن و استراحت و درآمد بالا (درآمدی که حداقل آن با نرخ تورم شروع می‌شود). این نوع گفتمان به باور نگارنده می‌تواند از لحاظ شناختی به تورم در جامعه دامن بزند به ویژه وقتی فردی با گونه‌القایی مبتنی بر تشویق، شناخت مردم را در تصمیمات مالیشان مورد هدف قرار می‌دهد. گفته یاب پس از آن که متقاعد شد توصیه‌های مورد نظر را می‌پذیرد، یعنی یافتن بانکی با بالاترین سود به سپرده او. سپس نسبت به این توصیه‌ها و کنشهای درخواستی وارد عمل می‌شود یعنی طبق گفته شعیری به نقل از کوکه (۱۹۹۷، ر.ک ۳)؛ کنش گر به طور ارادی وارد بازی زبانی می‌شود که از طریق آن قدرت نقد، ارزیابی و قضاوت خود را نیز به صحنه می‌کشد.

۶. محمود بهمنی گفت: پس از موافقت رئیس جمهوری با مصوبه شورای پول و اعتبار مبنی بر افزایش نرخ سود بانکی متناسب با نرخ تورم که حدود ۲۱ درصد است، بانک مرکزی میزان نرخ سود سپرده‌ها را به بانک‌ها واگذار کرد تا در فضای رقابتی بتوانند سپرده‌های مردم را جذب و سود مورد انتظار آنان را تأمین کنند (همان).

"موافقت" در مقابل "مخالفت" یک اسم است به معنی "اتلاف" و "هم‌رای شدن" است. ارزیابی شناختی گفته یاب از تفسیر این واژه این است که رئیس جمهور هم با این مصوبه شورای پول و اعتبار موافق هستند و بانک مرکزی بعد از موافقت رئیس جمهوری با این مصوبه، آنرا به بانک‌ها واگذار کرده است نه قبل از موافقت ایشان، بنابراین استنتاج منطقی از این دو گزاره آنست که رئیس جمهور نه تنها از مصوبه شورای پول و اعتبار مبنی بر افزایش نرخ سود بانکی با نرخ تورم که حدود ۲۱ درصد است آگاه است بلکه با آن موافق هم هست.

جذب سپرده ها در اصطلاح بانکی یعنی با ابزار شناختی در گفتمان، نقدینگی مردم را به سمت بانک ها بکشانند. یعنی آن ها را مجاب سازند تا سپرده هایشان را نزد بانک ها بیاورند. اما سوال اینجاست که در این فضای رقابتی، سود مورد انتظار مردم چقدر است؟ آیا بانک ها می توانند سود مورد انتظار سپرده گزاران را تأمین کنند؟

رئیس کل بانک مرکزی ایران در این جملات به غیر از مواردی که قبلاً به آنها اشاره کرده بود در سطح نشانه- معناشناختی گفتمان، سه منظور را دنبال می کند: ۱- ما برای گفته هایمان مبنی بر افزایش نرخ سود بانکی، تأیید رئیس جمهور را نیز داریم. با این جمله، بهمنی می خواهد بگوید که اولاً من تصمیم گیرنده تنها در این امر نیستم و رئیس جمهور نیز از این مصوبه شورای پول و اعتبار مبنی بر افزایش نرخ سود بانکی متناسب با نرخ تورم که حدود ۲۱ درصد است، آگاه و مطلع می باشد. ۲- اینکه خیال مردم راحت تر شود و به آنها این وعده را می دهد که فردی بالاتر از من در جایگاه قدرت، این قول را به شما می دهد که سود بانکی شما با سرمایه گذاری در بانک ها از ۲۱ درصد که نرخ تورم است آغاز می شود. با اینکار بهمنی با متوسل شدن به گونه القایی مبتنی بر تشویق، ارزیابی شناختی مردم را به سمت و سوی سوق می دهد تا در این جریان کنشی به دنبال بانکی باشند که در این فضای رقابتی، بیشترین سود را به سپرده هایشان پرداخت کند. ۳- بهمنی می خواهد با واگذار کردن نرخ سود سپرده ها از بانک مرکزی ایران به بانک ها یک فضای رقابتی ایجاد کند. اما رقابت چیست؟ و گونه القایی مبتنی بر تشویق مردم در گفتمان بهمنی تا چه اندازه می تواند با این رقابت باعث ایجاد بحران در اقتصاد جامعه باشد؟ بهمنی با استفاده از واژه "رقابت"، توپ را به میدان بانک ها می اندازد یعنی برنده این رقابت را بانکی می بیند که بیشترین سود را به سپرده مردم پرداخت نماید. یعنی بانک ها در این رقابت، هزینه کنند و تبلیغ کنند برای پرداخت سود بالاتر و پس از دریافت سپرده مردم، آنرا با نرخ پائین تری در اختیار وام گیرندگان قرار دهند؛ چون طبق تصمیم اخیر بانک مرکزی، نرخ تسهیلات ۱۱، ۱۴ و ۲۱ درصد می باشد. ۳- رئیس کل بانک مرکزی خاطر نشان می سازد که بانک ها برای جذب سپرده های مردم، سود مورد انتظار آنان را تأمین کنند. بهمنی در این جمله باز هم پا را فراتر گذاشته و در این فضای رقابتی بین بانک ها، دست مردم را در پیشنهاد سود مورد نظرشان به بانک ها باز گذاشته است. او از بانک ها می خواهد که سود مورد انتظار مردم را در قبال جذب سپرده های آنها برایشان تأمین کنند. این جمله می تواند تأثیر به سزایی در ایجاد تورم در اقتصاد جامعه داشته باشد. سپرده گزاران با عقد قرارداد بهمنی این حق را پیدا می کنند که بر سر سود سپرده هایشان با بانک ها چانه بزنند یعنی وارد ارزیابی عملی

می شوند که به نوعی اجرای حکم پاداش در مورد کنشگران است. زیرا سودی را از بانک‌ها مطالبه خواهند کرد که حداقل آن با نرخ تورم (۲۱ درصد) شروع می‌شود و حداکثر آن را سپرده‌گذار می‌تواند پیشنهاد کند. به باور نگارنده، تحلیل تصمیمی که بهمنی در سال ۱۳۹۰ آنرا بصورت یک مصوبه معرفی کرده است، در واقع خط مشی است که به پشتوانه قدرت ایشان در تصمیمات اقتصادی و با ابزار شناختی مجاب‌سازی در گفتمان، فقط مشکلی در اقتصاد جامعه بوجود آمده است که پیامد آن انتظارات تورمی در زمان حال است.

مهم‌ترین یافته‌ها در این پژوهش حاکی از آنست که کنشگران اقتصادی مجهز به سازوکار قدرت در گفتمان اقتصادی می‌توانند با استفاده از ابزار مجاب‌سازی در متون خود، شناخت مخاطب را مورد هدف قرار داده و در ارتباط زبان و ذهن از طریق معناشناختی، ذهن ایشان را برای خرید ارز، سکه طلا و افتتاح سپرده نزد بانکها (نشانه) جهت کسب سود (مصدق) تهییج نمایند و این تغییر نظام گفتمانی کنش محور به تنش محور را به دنبال خواهد داشت.

۶. نتیجه‌گیری

در بررسی این متن از رئیس کل بانک مرکزی با رویکرد نشانه-معناشناختی در چارچوب تحلیل گفتمان انتقادی، گونه القایی مبتنی بر تشویق، گفته یاب را در رابطه ای قرار می‌دهد که تعامل بین کنشگران مطرح است و دستیابی به ابژه ارزشی یعنی پول اهمیت فراوانی دارد یعنی اینکه کنش گر باید همه توان خود را به کار گیرد تا کنش به بار بنشیند چون در نظام‌های کنشی، ارزش مقدارپذیر و کمی است؛ پس از آن با نتیجه کنش مواجه خواهیم بود که پیامد آن در اقتصاد جامعه با تنش یعنی تورم همراه خواهد بود که می‌تواند زندگی معیشتی مردم را تحت تاثیر قرار دهد، اما نکته ظریف این است که انگیزه بهمنی در ایراد این متن نیز دارای اهمیت است. در واقع، پای شرافت و حیثیت ایشان نیز در میان است و بهمنی باید از این شرافت خود دفاع کند؛ یعنی او باید ثابت کند که خطی مشی او در تک‌نرخی شدن ارز با ایراد این متن به سرانجام خواهد رسید. بهمنی بخاطر دفاع از شرافت و حیثیت خود پای حرف خود می‌ایستد تا ثابت کند بازار، عددی که او برای تک‌نرخی شدن ارز در سر دارد را خواهد پذیرفت، بنابراین رابطه افقی و موازی به رابطه عمودی در نظام القایی تغییر می‌یابد؛ یعنی رئیس بانک مرکزی می‌خواهد ثابت کند که واقعاً پای حرف خود ایستاده است و برای دفاع از ایدئولوژی خود در تک‌نرخی کردن ارز و پایین آوردن نرخ طلا، آنقدر ارز و طلا از طریق

بانکها به مردم می‌فروشد تا بازار اشباع شود و آن نرخی که او در سر دارد تثبیت شود. در این مقاله، متن بهمنی مورد ارزیابی قرار گرفت و با رویکرد نشانه معنا شناختی در چارچوب تحلیل گفتمان انتقادی نتیجه آن را مورد بررسی قرار دادیم. اگرچه الان کمی دیر شده است، چون بهمنی ابژه ارزشی یعنی دارایی صندوق ذخیره ارزی و موجودی طلای خزانه دولت را از دست داده است. عمل مجاب نمودن ابزار شناختی است که بسیاری از گفتمانها از آن سود می‌جویند. در گفتمان اقتصادی نیز گفته پرداز می‌تواند با القا در یک فرآیند کنشی، گفته یاب را قانع کند که کنشی را بپذیرد. در این حالت، قدرت استدلال و تاثیرگذاری یکی بر دیگری بصورت کنشی از نوع مجابی است که کنشگر و کنش پذیر را در موقعیتی موازی قرار می‌دهد و آنچه سبب برتری یکی بر دیگری می‌گردد، عملیات القایی است. در ابتدا دولت، مالک موجودی ارز در صندوق ذخیره طلا و همچنین طلا در صندوق خزانه دولت است و مردم فاقد این مالکیت؛ ولی این مسئله دلیلی بر اینکه دولت بر مردم تسلط داشته باشد نیست، چون دولت خود را از مردم و برای مردم می‌داند و این پول و دارایی را نیز برای مردم می‌داند و در نهایت هم آن را در جهت رفاه مردم هزینه خواهد کرد. تنها جریان مجابی و القاییست که سبب برتری و پیروزی گفته یاب بر گفته پرداز خواهد شد زیرا با این ابزار شناختی، مردم به فکر خرید ارز و طلا می‌افتند تا آن را ذخیره کنند و با نرخ بالاتری بفروشند بلکه با اینکار سود کسب نمایند و منفعتی عایدشان شود که در نهایت، این امر بحران اقتصادی را با خود به همراه خواهد داشت. بنابراین با این عملیات القایی، یک فرآیند کنشی حاصل خواهد شد که گسست ابژه ارزشی را برای دولت به همراه خواهد داشت و این گسست برای یکی، پیوست با ابژه ارزشی برای دیگری را به همراه خواهد آورد که ارزیابی نهایی در تفسیر از این بازی شناختی، ایجاد تورم برای اقتصاد جامعه است. پیشنهاد میشود ۱- کنشگران اقتصادی؛ با تعامل، طی یک رابطه موازی و نه تجویزی، باوری را نسبت به خود در دیگران ایجاد کنند که طی آن هر دو از یک موقعیت برخوردارند؛ اینجاست که فرآیند کنشی از طریق عملیات القایی (مجابی) حاصل می‌شود؛ یعنی به جای اینکه یک کنش گزار و یک کنش گر داشته باشیم، دو کنش گر داریم که در برابر یکدیگر قرار می‌گیرند بدون اینکه هیچ یک بر دیگری، برتری موقعیتی داشته باشد و بین آنها رابطه ای تعاملی برقرار می‌شود. در این رابطه تعاملی، آنچه تعیین کننده است، قدرت مجاب سازی یا القاء برای پذیرش کنش در مخاطب (اعتمادسازی)؛ نه استفاده از سازوکار قدرت در مجاب سازی مخاطب. ۲- کنشگران اقتصادی می‌توانند در انتقال پیام خود، از عبارات وجهی استفاده نمایند تا در اشاره به روش های زبانی برای بیان فرضیه های اقتصادی

خود، درجاتی از شبهه و عدم اطمینان را باقی بگذارند. کنشگران اقتصادی می‌توانند با بکارگیری عبارات وجهی ساز، تعهد خود را نسبت به یک گزاره پائین بیاورند و آن بعد زبان‌شناختی که معانی را با سببیت پائین در شناخت مخاطب رمزگزاری می‌کند بکارگیرند تا جایی برای عدم قطعیت در ذهن مخاطب باقی بماند. درمقابل؛ جملات خبری، بالاترین سطح تعهد را در معنا رمزگزاری می‌کنند بطوریکه جایی برای شک و شبهه باقی نمی‌گذارند. این متن از بهمنی در پنجم بهمن ۱۳۹۰ منتشر گردیده است که شروع نوسانات شدید نرخ ارز و رکورد زنی های قیمت دلار است و تغییر نظام گفتمانی‌کنش محور به نظام گفتمانی تنش محور در اقتصاد ایران را به همراه دارد.

پی‌نوشت

۱. منظور از مجاب سازی همان واژه اقناع میباشد.

کتاب‌نامه

- دهخدا، علامه (۱۳۷۳). *لغت نامه فارسی به فارسی دهخدا*. تهران: موسسه انتشارات دانشگاه تهران.
- حسن زاده میرعلی، عبدالله و ابراهیم کنعانی (۱۳۹۰). بررسی الگوی نشانه-معناشناسی گفتمان در شعر قیصرامین پور، پژوهش های ادب عرفانی (گوهرگویا)، دوره ۵، شماره ۲ (پیاپی ۱۸)؛ از صفحه ۱۱۵ تا صفحه ۱۳۶.
- شعیری، حمیدرضا، عصمت اسماعیلی و ابراهیم کنعانی (۱۳۹۲). تحلیل نشانه-معناشناختی شعر "باران"، *ادب پژوهی*، شماره ۲۵، پائیز ۱۳۹۲.
- آبی‌نیان، پانته و حمیدرضا شعیری (۱۳۹۵). تحلیل نشانه-معناشناختی فرایند تشخیص در گفتمان ادبی: مطالعه موردی، پاچه خیزک نوشته صادق چوبک، از ص ۵۷ تا ص ۷۶، *پژوهش های زبانی*، سال ۷، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۵.
- جلالی طحان زواره، زهرا و شهلا خلیل‌اللهی (۱۳۹۵). نشانه-معناشناسی نظام های گفتمان شوشی در "لالایی لیلی" اثر حسن نبی عامری، *دو فصلنامه ادبیات دفاع مقدس*، دانشگاه شاهد، دوره ۱، شماره ۱، (پیاپی ۱).
- رضایی، رویا، محمدمیر مشهدی، حمیدرضا شعیری و عباس نیک بخت (۱۳۹۵). بررسی و تحلیل کارکرد پادگفتمانی نامه های نیما یوشیج، *دو فصلنامه زبان و ادبیات فارسی*، سال ۲۵، شماره ۸۲، بهار و تابستان ۱۳۹۶.

نقش گفتمان شناختی برای مجاب سازی... (کاوه هدایت و دیگران) ۳۲۹

شهباء، محمد، محسن غفوریان و علیرضا نیکخواه ایبانه (۱۳۹۶). رویکرد نشانه-معناشناسی به تحلیل گفتمان: مطالعه موردی فیلم "یه حبه قند"، فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، سال سیزدهم، شماره ۴۹.

میرحسینی، مژگان و ابراهیم کنعانی (۱۳۹۷). بررسی نشانه-معناشناختی نظام عاطفی گفتمان در گونه کودکانه رضوی "زائر" عبدالجبار کاکایی، فصلنامه علمی فرهنگ رضوی، سال هفتم، شماره ۲۷، پائیز ۱۳۹۸.

شعیری، حمیدرضا (۱۳۹۸). تحلیل نشانه-معناشناختی گفتمان اجتماعی مُد: از عقل گرایی تا آرمان گرایی، فصلنامه زبان شناسی اجتماعی، دوره ۲، شماره ۴ (سری جدید)، پیاپی ۶، بهار ۱۳۹۸ (صفحات ۳۱-۳۷).

نورسیده، علی اکبر و مسعود سلمانی حقیقی (۱۳۹۸). تحلیل نشانه-معناشناسی داستان قرآنی حضرت موسی (ع) و فرعون، فصلنامه مطالعات متون ادبی اسلامی، سال سوم، شماره چهارم، پیاپی ۱۲، زمستان ۱۳۹۷.

شعیری، حمیدرضا (۱۳۹۸). نشانه-معناشناسی ادبیات: نظریه و روش تحلیل گفتمان ادبی (چاپ دوم). انتشارات دانشگاه تربیت مدرس، تهران.

شعیری، حمیدرضا (۱۳۹۸). تجزیه و تحلیل نشانه-معناشناختی گفتمان، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی.

یاری بیک، محموداله و رامین شمسایی نیا (۱۴۰۰). نشانه شناسی مستندهای تبلیغاتی نامزدهای پیروز انتخاباتی بررسی موردی دوره های نهم تا دوازدهم انتخابات ریاست جمهوری ایران.

Austin J.L. (1970). Quand dire c est faire. Paris: Seuil.

Greimas, A.J. (1986). Semantique structural. Paris: PUF.

Courtes J. (1991). Analyse semiotique du discours. De l'enonce a l'enonciation, Paris, Hachette.

Coquet J.c. (1997). La quete du sens. Le langage en question. Paris: PUF.

Bertrand D. (1999). Parler pour convaincre, Paris, Gallimard.